عوامل موثر بر نرخ ارز و نوسانات آن در ایران با تاکید بر سیاست تجاری



حسن ولی‌بیگی
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

این مطالعه با هدف بررسی عوامل موثر بر نرخ ارز به‌ویژه در سالهای اخیر انجام شده و نتایج کلی آن نشان می‌دهد که عوامل بنیادین نظیر رشد بالا و مستمر نقدینگی مازاد بر رشد اقتصادی، حساب جاری و حساب سرمایه بر نرخ ارز تاثیر می‌گذارند. لیکن در کوتاه‌مدت و میان‌مدت افزایش هزینه‌های مبادله و کاهش درآمدهای نفتی ناشی از تحریم‌ها، شکل‌گیری انتظارات تورمی، فرار سرمایه و قاچاق اثر معنادار و قابل ملاحظه‌ای بر نرخ ارز دارند. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد که ابزارهای سیاست تجاری نظیر تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای تاثیری بر نرخ ارز نداشته‌اند.

الف- عوامل موثر بر نوسانات نرخ ارز

۱. نتایج نشان می‌دهد که نه تنها ابزارهای سیاست تجاری نظیر تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای تاثیر معناداری بر نرخ ارز و نوسانات آن ندارند؛ بلکه با مدیریت هوشمند نظیر کاهش تقاضای ارز از ناحیه ایجاد محدودیت در واردات کالاها، تشویق صادرات غیرنفتی، تامین ارز کمتر از تخصیص و ... در تقویت نرخ ارز گام‌های موثری برداشته است؛

۲. همچنین نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که عواملی نظیر رشد بالا و مستمر نقدینگی مازاد بر رشد اقتصادی، حساب جاری و حساب سرمایه، هزینه‌های مبادله و کاهش درآمدهای نفتی ناشی از تحریم‌ها، شکل‌گیری انتظارات تورمی، فرار سرمایه و قاچاق اثر معنادار و قابل ملاحظه‌ای بر افزایش نرخ ارز دارند؛ این در حالی است متغیرهای بخش صنعت و معدن بشدت از نوسانات نرخ ارز آسیب دیده‌اند. به‌عنوان مثال با سیاست جدید بانک مرکزی، نیاز به نقدینگی واحدهای تولیدی (۸۴۰ همت برای یکسال) به شدت افزایش یافته است.

۳. تامین ارز مورد نیاز کالاهای قاچاق از مبادی غیررسمی با توجه به حجم زیاد آن بر نرخ ارز تاثیر معناداری دارد. حجم ورود کالاهای قاچاق، طبق برآوردها، سالانه بالای ۱۲ میلیارد دلار است. این حجم از ارز مورد نیاز، توسط ارزهای تسویه نشده صادرات و یا کف بازار تامین می‌شود که در هر دو حالت فشار سنگینی بر بازار وارد می‌کند. شق دیگر تامین ارز مورد نیاز قاچاق کالاها از طریق کم‌اظهاری صادرات و بیش برآورد واردات است که باعث نشتی ارز از بازار رسمی به بازار غیررسمی می‌شود. بر اساس مطالعات صورت گرفته ۱۰ تا ۲۰ درصد نشتی ارزی از این ناحیه صورت می‌گیرد که محلی برای تامین مالی قاچاق می‌تواند باشد؛

۴. عدم برگشت ارز حاصل از صادرات: بر اساس گزارش بانک مرکزی از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا پایان آذرماه ۱۴۰۴ بالغ بر ۲۷

میلیارد دلار ارزحاصل از صادرات به چرخه اقتصاد برنگشته است. مهمترین دلیل این وضعیت به شکاف میان نرخ ارز بازار مرکز مبادله ارز و طلای ایران با ارز بازار آزاد بازمی‌گردد. نتیجه این فرآیند، کاهش عرضه ارز در بازار رسمی، فشار مضاعف بر نرخ ارز، کاهش ارزش پول ملی و بی‌انگیزگی صادرکنندگان قانون‌مدار است که در نهایت به نفع صادرکنندگان متخلف تمام می‌شود.

۵. ابزارهای سیاست تجاری:

- افزایش و یا کاهش تعرفه‌ها با تحریک تقاضای واردات، می‌تواند بر بازار ارز تاثیرگذار باشد. بررسی روند میانگین حسابی نرخ تعرفه واردات در پنج سال اخیر حاکی از روند کاهشی تعرفه‌هاست. از سال ۱۴۰۰ با خروج از اپیدمی کووید- ۱۹، واردات کشور با روند افزایشی از ۵۳ به حدود ۶۴٫۲ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ رسید. در این مدت، نرخ تعرفه ساده به ترتیب به ۱۸٫۹، ۱۴٫۱، ۱۳٫۹ و ۱۴٫۳ درصد تقلیل یافت. هرچند در نگاه اول به‌نظر می‌رسد کاهش تعرفه‌ها، منجر به افزایش واردات شده است، اما با افزایش نرخ تسعیر ارز مبنای محاسبه حقوق گمرکی در دوره ۱۴۰۳-۱۴۰۱ به ترتیب ۴۳۹، ۲۵ و ۷۸ درصد (از ۴۲۰۰ تومان سال ۱۴۰۰ به متوسط ۵۲۰۰۰ تومان سال ۱۴۰۳)، عملاً کاهش نرخ تعرفه توسط افزایش نرخ تسعیر ارز جبران گردیده است (ارزش ریالی درآمد گمرکی با وجود کاهش نرخ تعرفه نه تنها کاهش نیافت، بلکه در شرایط مساوی افزایش نیز یافت). به این ترتیب نرخ تعرفه اساساً در جهت تشویق واردات (افزایش تقاضای ارز) عمل نکرده است، بلکه سایر سیاست‌ها عامل افزایش واردات بوده است؛
- همچنین، از سال ۱۳۹۷ به منظور مدیریت واردات و حمایت از تولید داخل، دولت ممنوعیت‌های گسترده‌ای (تفکیک کالاها ممنوعه به دائم و موقت) اعمال نمود. از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ تعداد کالاهای ممنوع دائم از ۱۳۳۹ به ۱۵۳۷ افزایش یافت. در سال ۱۴۰۱ نیز تعداد کالاهای ممنوع دائم و موقت به ترتیب ۱۵۵۲ و ۶۰۰ ردیف تعرفه بود که جمعاً ۲۳۲۸ ردیف تعرفه ممنوع شد. در بهار سال ۱۴۰۲ مصوبه سران قوا در مورد ممنوعیت‌ها لغو گردید، لیکن به دلیل محدودیت‌های موجود اجرایی نشد. در این سال، به ترتیب ۱۵۴۵ و ۵۸۴ قلم کالا دارای ممنوعیت دائم و موقت بودند. در سال ۱۴۰۳ این تعداد ممنوعیت به ۱۴۲۲ و ۶۹۱ قلم تغییر کرد. در سال ۱۴۰۴ نیز با کاهش تعدادی از اقلام ممنوعه (۱۳۳۸ قلم دائم و ۵۴۰ قلم موقت)، این سیاست تداوم دارد. به عبارت دیگر در سیاست ممنوعیت‌ها، وزارت صنعت، معدن و تجارت، واردات را از طریق کاهش واردات غیرضرور (مدیریت واردات خودرو) مدیریت شده است.
- در خصوص تامین ارز با نرخ‌های ترجیحی برای مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای (یارانه به تولید) نیز چنانچه محدودیتی در تامین ارز وجود نداشت، این سیاست با عنوان تسهیل واردات وضع شده بود، لیکن به جهت اختصاص سهمیه ارزی به وزارتخانه‌های تولیدی، عملاً امکان واردات در حد نیاز نیز مقدور نبود؛ بگونه‌ای که بر اساس اطلاعات تخصیص و تامین ارز، در سالهای ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴، تنها ۸۲، ۷۶٫۸ و ۶۹ درصد از تخصیص ارز، تامین شده است. لذا این سیاست نیز در جهت تشویق واردات و افزایش تقاضای ارز عمل نکرده است.

در مجموع، ممنوعیت ورود کالا، تعیین سهمیه ارزی و تامین ارز و نرخ‌های ارز ترجیحی اختصاص داده شده به وزارت صنعت، معدن و تجارت، نه تنها در جهت افزایش واردات و تقاضای بیشتر ارز عمل نکرده است، بلکه این ابزارها در مجموع از سال ۱۳۹۷ با کاهش واردات، خالص صادرات را کاهش داده است و در نتیجه به‌عنوان نیروی موثر کاهش‌دهنده نرخ ارز عمل کرده‌اند.

۶. مطابق بررسی‌ها رشد مستمر و بالای نقدینگی (طی سالهای ۱۴۰۳-۱۳۸۰ نسبت رشد نقدینگی به رشد اقتصادی بطور متوسط ۱۲ برابر بوده است) یکی از علل اصلی افزایش تورم در بلندمدت و به تبع آن افزایش نرخ ارز بوده است. در گام بعدی افزایش نرخ ارز به نقدینگی و تورم بیشتر می‌انجامد (به گونه‌ای که هر ۱۰ درصد افزایش نرخ ارز در نهایت به ۴ درصد افزایش در شاخص قیمت مصرف‌کننده منجر می‌شود). این فرایند تا تخلیه کامل ادامه دارد (ضریب همبستگی بین تورم و نرخ ارز حدود ۵۴ درصد در کوتاه مدت و تا ۷۴درصد در بلندمدت است)؛

۷. بررسی حساب سرمایه در ایران نشان می‌دهد که این حساب همواره منفی بوده که به معنای خروج سرمایه از کشور است. به عبارت دیگر در بلندمدت، تقاضای ارز از این ناحیه منجر به افزایش نرخ ارز شده است. محاسبه ضریب همبستگی بین حساب سرمایه و نرخ ارز حدود مثبت ۸۴ درصد بوده که در جهت افزایش نرخ ارز عمل کرده‌اند؛

۸. حساب جاری (با نفت) برخلاف حساب سرمایه، به‌طور خالص مثبت بوده که به مفهوم ورود ارز به کشور و در جهت کاهش نرخ ارز عمل کرده است. محاسبه ضریب همبستگی بین حساب جاری و نرخ ارز به میزان منفی ۱۶٫۲ درصد است که نشان‌دهنده ارتباط معکوس مازاد حساب‌جاری با نرخ ارز می‌باشد؛

۹. در سمت عرضه ارز، با تشدید تحریم‌ها، افزایش نااطمینانی‌ها و فشار حداکثری، دولت از نظر درآمدهای ارزی هم به جهت ارزش و هم دریافت ارز در تنگنای سخت‌تری قرار می‌گیرد. در سمت تقاضای ارز، با نامساعد شدن فضای کسب و کار، ضمن کاهش ورود سرمایه، شاهد خروج گسترده سرمایه نیز می‌باشیم. در این شرایط، مردم برای حفظ قدرت خرید پول به سمت خرید ارز، طلا و فعالان اقتصادی نیز با انتظار افزایش قیمت در آینده، تقاضای بیشتری برای خرید مواد اولیه و واسطه‌ای وارداتی (تقاضای ارز) خواهند داشت. به این ترتیب از یک سو با محدودیت عرضه ارز (عمدتا کاهش درآمدهای ارزی و محدودیت‌های صادرات غیرنفتی) و از سوی دیگر با افزایش تقاضای ارز (واردات موبایل، بیش اظهاری واردات، تقاضای سفته بازی، قاچاق، فرار سرمایه و ...)، نرخ ارز بیش از پیش افزایش می‌یابد. بررسی روند نوسانات نرخ ارز به خوبی نشان می‌دهد که تحریم‌ها یک نیروی قوی در ایجاد نوسانات نرخ ارز عمل کرده است؛

۱۰. به جهت سهم بالای درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت و عرضه آن به بازار ارز، دولت قدرت قیمتگذاری بالایی در این بازار (پایین‌تر از قیمت تعادلی بازار) دارد. بر این اساس، در دوران درآمدهای سرشاری ارزی، دولت با تزریق ارز به بازار سعی در کنترل تورم از ناحیه تثبیت نرخ ارز دارد. در شرایط محدودیت درآمدهای نفتی (به‌ویژه در دوران شدت گرفتن تحریم‌ها)، تزریق ارز به بازار کاهش یافته و نرخ ارز با جهش‌های بالایی مواجه می‌شود. سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ و یا سالهای ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴ مصادق بارز این مسئله است. بررسی روند درآمدهای ارزی نفتی و نرخ ارز در بلندمدت، نشان می‌دهد که رونق و رکودهای درآمدهای نفتی با روند نرخ ارز رابطه معکوسی دارد؛

۱۱. وجود نااطمینانی‌ها در اقتصاد نظیر فعال‌شدن مکانیزم ماشه، تشدید تحریم‌ها، تنش‌های منطقه‌ای و داخلی مانند جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ... به‌عنوان عوامل شکل‌دهنده انتظارات تورمی از طریق گسترش سفته بازی، خروج سرمایه و ... در ایجاد نوسانات کوتاه‌مدت نرخ ارز ایفای نقش می‌نماید. بر اساس گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، هر ۱۰ درصد افزایش در نرخ ارز ترجیحی می‌تواند انتظارات تورمی را حدود ۵ تا ۷ درصد افزایش دهد و به‌طور غیرمستقیم فشار بیشتری بر بازار آزاد وارد کند؛

ب- آثار و تبعات سیاست جدید ارزی بانک مرکزی

۱. با توجه به افزایش حدود ۵۰ درصدی نرخ ارز (انتقال از تالار اول به تالار دوم)، میزان افزایش نقدینگی مورد نیاز بخش صنعت و معدن در سال ۱۴۰۵، بدون در نظر گرفتن تورم و همین میزان نیاز ارزی، ۸۴۰ همت خواهد بود. این میزان نقدینگی حدود ۳۰ درصد تسهیلات سرمایه در گردش سال ۱۴۰۴ خواهد بود.

۲. با افزایش ۵۰ درصدی نرخ ارز، برآوردها نشان می‌دهد شاخص قیمت تولیدکننده حدود ۱۵ درصد افزایش می‌یابد و تورم خوراکی‌ها به‌دلیل وابستگی بالای زنجیره تأمین مواد غذایی به واردات نهاده‌ها، رشدی بالاتر خواهد داشت. هم‌زمان، تورم مصرف‌کننده ناشی از انباشت فشار هزینه در بخش تولید، به تدریج افزایش یافته و انتظار می‌رود شاخص قیمت مصرف‌کننده به میزان ۱۰ درصد افزایش یابد.